هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ ۴۵ ۱۹حوت ۱۳۹۳ ۱۹ جمادی الاول ۱۴۳۶ 10 March 2015



ما مسلمانان بخاطر رسیدن به هدف، حق نداریم به وسایل ناپاک و وسایل غیر مشروع متوصل شویم.

از سخنان رهبر شهید

از نخستین سالیاد مارشال فهیم با حضور پُر رنگ مردم در کابل تجلیل شد



استاد سیاف: **جهاد گران و مقاومت گران زینت تاریخ افغانستان هستند.**

رئیس جمهور: **اگر مارشال زنده بود مشکلات ما در سال گذشته و حال کمتر می بود.**

رئیس اجرائیه: **مارشال یک سنگر استوار و پشتوانهٔ قوی به تمام ملت افغانستان بود.**

کرزی: **مارشال مانع شد، تا افغانستان از تجزیه نجات یابد.**

ادیب فهیم: **مارشال پروسهٔ مصالحه را نیاز جدی امروز و فردای افغانستان می دانست.**

کریم خلیلی: **مارشال در برابر دخالت های خارجی سخت حساس و جدی بود.**

ص۴

پیام بمناسبت روز جهانی زن



روز جهانی زن به همه زنان جهان، به ویژه زنان رنج کشیدهٔ افغانستان که قربانیان اصلی خشونت، جنگ و رنج های بی شمار این کشور اند، تبریک می گویم.

باور دارم که بخشی از مشکلات و عقب ماندگی کشور عزیز ما، ریشه در محروم بودن زنان این سرزمین، از حقوق اساسی شان به ویژه حق آموزش همگانی آنها دارد.

امیدوارم که دختران امروز ما، با استفاده از حق آموزش، گام های بلندی در جهت دست یابی به دیگر حقوق اساسی شان و همچنان پایدار سازی ارزش های مدرن، خشکاندن ریشه های جنگ و دست یابی کشور به توسعه، رشد و شگوفایی مادی و معنوی است.

صلاح الدین ربانی

رئیس جمعیت اسلامی افغانستان

صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و وزیر امور خارجه، در همایش سالروز شهادت عبدالعلی مزاری:

راز زنده ماندن شخصیت هایی مثل استاد مزاری، در زنده بودن و پویا بودن فکری است که برای آن مبارزه کرده اند

ص۳

نامهٔ اعتراضیهٔ سترجنرال عطامحمد نور

در پیوند با نشر گزارش بی بنیاد و عاری از حقیقت دیدبان "حقوق بشر"

گزارش منتشرهٔ اخیر سازمان دیدبان "حقوق بشر"، مردم افغانستان را نسبت به جایگاه حقوقی و رعایت اصل بی طرفی این سازمان مشکوک کرده است. در این گزارش بیشتر بر گمانه ها و مدارک عاری از حقیقت تمرکز شده است و در عین حال به شخصیت من به عنوان فرزند خدمت گزار این کشور اهانت شده است. لذا با توجه به درون مایه های این گزارش و بر اساس اصول پذیرفته شده بین المللی می خواهم ضمن رد اتهام های وارده بر من، دفاعیهٔ خود را پیشکش و در عین حال اقامهٔ دعوی ام را از طریق سازمان ملل متحد و دادگاه های معتبر بین المللی، روی دست گیرم. اما در اینجا برای رد این گزارش و دفاع از موقف و جایگاه انسانی خود تذکر نکات آتی را لازم می دانم:

از آنجاییکه کار دیدبان حقوق بشر با نقیصه های بی دقتی، غرض آلودی، شایعه پراگنی و سیاسی سازی حقوق بشر همراه است و این کوتاهی های آنان در سطح دنیا شناخته شده است. در این گزارش نیز این موارد به وضوح قابل درک است. وقتی خواسته اند در مورد تبار من بنویسند در همین جا نیز پای شان لغزیده و دچار گمراهی شده اند. من نه از تبار مختلط که زادهٔ پدر و مادر تاجیک هستم. اگر باری هم به زندگی نامهٔ من روی سایت رسمی ام مراجعه می کردند این خبط را مرتکب نمی شدند. در کنار این من از سال ۱۹۹۶ در برابر طالبان و القاعده مبارزه کرده ام نه از ۲۰۰۱. به همین ترتیب



فرماندهی قول اردوی شماره ۷ را از سال ۱۹۹۲ به دوش داشتم. تا آنکه خودم اقدام به نام گذاری آن به نام قول اردوی صلح و سپس با طرح من و منظوری مرکز، اقدام به لغو آن نمودم.

ص۶

مارشال فهیم به استواری چون کوه بود ص۲

*

یکسال پس از آنروز! ص۲

*

به یاد مارشال ص۲

*

مارشال می گفت: ما همیشه بُعد ملی را درنظر می گرفتیم ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کوچهٔ اول سرک لیسهٔ نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website:
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

یکسال پس از آنروز!



□ **ابوبکر سبزوار**

یکسال قبل در روز یکشنبه ۱۸ ماه حوت، مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول ریاست جمهوری افغانستان در سن ۵۷ سالگی چشم از جهان فرو بست. او که در سال ۱۹۵۷ میلادی در روستای اومرز پنجشیر در یک خانوادهٔ روحانی چشم به جهان گشوده بود، یکی از یاران نزدیک قهرمان ملی افغانستان احمد شاه مسعود بود.

مارشال فهیم بعد از تحصیلات ابتدائی در پنجشیر، غرض تحصیلات عالی شامل دارالعلوم عربی کابل گردید. با کودتای کمونیستی، عازم پاکستان شد و سپس برای نبرد با نیروهای رژیم کابل عازم درهٔ شیگل ولایت کنر گردید. در آن زمان هسته های ابتدایی جهاد در مناطق کوهستانی کشور در حال شکل گرفتن بود. او سپس عازم زادگاهش پنجشیر شد تا در کنار احمدشاه مسعود به جهاد بپردازد.

مارشال فهیم دوبار در راس نیروهای مجاهدین وارد کابل شد. بار اول در بعد از سرنگونی رژیم نجیب بدست مجاهدین در ۵ ثور ۱۳۵۷ و بار دوم در ماه عقرب سال ۱۳۸۰ بعد از سرنگونی رژیم طالبان. مارشال فهیم به پاس خدماتش به دریافت مدال احمدشاه بابا و بلندترین مقام نظامی کشور یعنی رتبهٔ مارشالی مفتخر گردید.

بعد از کنفرانس بُن در سال ۲۰۰۱ وی بحیث معاون اول رئیس دولت موقت و وزیر دفاع و بار دیگر در دور دوم ریاست جمهوری حامدکرزی بحیث معاون اول وی، تعیین گردید که تا آخرین دم حیات در این مقام ایفای وظیفه نمود.

مارشال فهیم را در افغانستان نه تنها بعنوان یک شخصیت نظامی خبره در جنگ های چریکی و یک سیاستمدار می شناختند بلکه وی از نظر شخصیت فردی نیز ویژگی های خاص خود را داشت. او یک دوست خوب و قابل اعتماد برای دوستانش بود که زبان مشترک با تمام اقوام این کشور داشت.

امروز یکسال پس از فقدان وی، وقایعی را مرور می کنیم که در غیاب وی در این کشور بوقوع پیوست. اگر مارشال فهیم زنده می بود، شاید چه بسا بخشی از این وقایع به شکل دیگر اتفاق می افتاد.

مارشال در مقطع زمانی حساس برای افغانستان یعنی در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری، جهان را وداع گفت. از قول وی نقل می کنند که یکبار با شوخی به حامدکرزی گفته بود که، بعد از شما کرسی ریاست جمهوری به من خواهد رسید. اینکه وی واقعاً قصد داشت تا خود را کاندیدای این سمت نماید یا نه، مشخص نیست اما اگر واقعاً وی کاندیدای این مقام می شد، شاید صحنهٔ سیاسی امروز کشور به شکل دیگری شکل می گرفت.

اما اگر وی خود کاندیدای این مقام هم نمی بود، وجود وی می توانست در نتیجهٔ انتخابات تاثیر گذار باشد. وی قبلاً بصراحت گفته بود که اجازه نخواهیم داد تا تقلب تعیین کنندهٔ نتیجهٔ انتخابات باشد.

مارشال در رابطه به صلح نظری بسیار وسیع داشت و خواهان مذاکره و تقسیم قدرت با مخالفین مسلح دولت بود.

بعد از شهادت شهید صلح استاد ربانی، مجاهدین مارشال فهیم را حامی و مدافع حقوق شان در برخی موارد می دانستند.

خدایش بیامرزد

مارشال فهیم
به استواری چون کوه بود

□ **صدام علیپور**

بعد از شهادت قهرمان ملی کشور احمد شاه مسعود، به هدایت استاد شهید برهان الدین ربانی رئیس دولت وقت، مارشال محمد قسیم فهیم قیادت و رهبری نیرو های مقاومت علیه طالبان و تروریزم جهانی را به عهده داشت. از این نقطهٔ نظر، مارشال فهیم خدمت بزرگی در عرصهٔ سیاسی و نظامی کشور نموده است.

مارشال آگاه مسایل نظامی بود که بعد از شهادت قهرمان ملی توانست کاروان مقاومت را به پیش ببرد و سرانجام مقاومت مردم مسلمان افغانستان به پیروزی رسید. مارشال در تصویب قانون اساسی با کمیسیون تسوید همکاری داشته و با نفوذی که داشت، در تصویب آن نقش داشته است. در صورتیکه مارشال فهیم در برخی از ماده های این قانون به مخالفت بر می خاست، تصویب آن به مشکل مواجه می شد. این مارشال بود که جلو اختلافات را گرفت و با وجود موارد اختلافی، این قانون، به تصویب رسید.

مارشال فهیم نیز نظام ۱۳ سالهٔ اخیر را یاری رسانید. پس از شهادت استاد شهید هیچکس به اندازهٔ مارشال فهیم در میان مجاهدان و فرماندهان، نفوذ نظامی و سیاسی در ارکان دولت نداشته است. وی در برابر قضایای مهم و سرنوشت ساز کشور، چون کوه استوار می ایستاد.

مارشال فهیم دارای تحصیلات عالی و اکادمیک نبود؛ اما در ساخت نظام های سیاسی افغانستان تاثیر فراوان داشت. مارشال فهیم چند بار حامد کرزی را در رسانیدن به قدرت سیاسی کشور، یاری رسانید و با چانه زنی های حامد کرزی در هیئت کابینه، نظامی و ملکی آگاه بود.

موصوف یکی از نزدیکان احمد شاه مسعود و از فرماندهان برجستهٔ مقاومت در برابر طالبان بود و طالبان هیچ گونه اعتماد به استاد شهید و مارشال فهیم و برخی فرماندهان مهم دوره های جهاد و مقاومت نداشتند. از همین نقطهٔ نظر برنامه های صلح خواهانهٔ استاد ربانی را که افراد قدرت مندی، همانند مارشال فهیم را با خود داشت، با شک و تردید می نگریستند. اکنون در فقدان چهره های؛ چون: استاد برهان الدین ربانی و مارشال فهیم، طالبان و حامیان آنها خواهان صلح با رهبری حکومت اند، می خواهند با حکومت داخل معاملهٔ سیاسی گردند. ما خواهان صلح سراسری و با عدالت هستیم اما ایجاب می نماید حکومت افغانستان و رهبران جهادی در ارتباط صلح و مذاکره با طالبان، برخورد محتاطانه داشته جریان های بعدی را به نفع کشور و مردم افغانستان رقم بزنند، نشود که در پی این صلح، جنگ و طرح دیگری نهفته باشد که بازهم از مردم افغانستان قربانی بگیرد.

روح مارشال فقید شاد باد

به یاد مارشال

□ **فقیری**

مرگ ناگهانی شخصیت های بزرگ، برای بازمانده گان و خانواده و بسته گان، بسیار سخت و ناگوار است.

گرچه اصطلاح (مرگ نا بهنگام) از نظر علمای دین، نابجا و بی مورد است: ما همه از خداییم و هر لحظه امکان دارد که به سوی خدا بشتابیم. پس مرگ را نمی توان به هنگام و یا نا بهنگام خواند... برخی ها فکر می کنند که ایام پیری و درماندگی هنگام مرگ است و نباید قبل ازان انسان بمیرد... و طبق خواست خدا انسان در هرلحظ ممکن است به حق بشتابد و با حیات پدرود بگوید...

مرگ مارشال کشور برای همهٔ ما و همه مجاهدین و همه سنگرداران جهاد و مقاومت و همه کارمندان دولت و به ویژه خانوادهٔ محترم شان؛ بیش از اندازه سنگین و ناگوار بوده است. اما چه می توان کرد؟ مقدرات خداوندی تغییر ناپذیر است! و انسانها جز دعا و ادامهٔ راه از دست رفته گان کاری نمی توانند، انجام دهند.

ما مسلمانها باید به مقدرات خداوندی قانع و راضی باشیم. ما باید هرلحظه در فکر این دنیا و دنیای دیگر باشیم و هرلحظه را امکان پیوستن به حق تعالی بدانیم. مفهوم یک حدیث است که، یک مسلمان برای دنیای خود چنان کار و زحمت بکشد که سالها زنده است و برای آخرت خویش آمادگی کامل داشته باشد و هر لحظهٔ آن را ممکن بداند. باید همه برای سفر آخرت آماده و منتظر باشیم. نه اینکه در این فکر باشد که در پیری حج خواهم کرد و زکات ادا خواهم کرد و.... مرگ در هر لحظه: طفلی، جوانی و پیری ممکن و میسر است...

مارشال فهیم تنها مرد سنگر و مبارزه نبود بلکه، در کتاب و کتاب خوانی علاقهٔ زیاد داشت. من که نیز به امور کتاب و فرهنگ علاقه دارم، روزی در کتابخانهٔ استان قدس رضوی مشهد (هنگام ماموریت در جنرل قُنسلگری) که کتابها را می دیدم تا بدست آورم، در آنجا نظرم به جنرال محمد قسیم فهیم افتاد (در دوران مقاومت) که او نیز همراه با نگهبانش مشغول دیدن کتابها است... در آنجا هم صحبت شدیم او در مورد کتابها و نویسندگان آن زیاد معلومات داشت و اشعار فارسی داکتر اقبال لاهوری را بیشتر از ما به حافظه سپرده بود.

مارشال کشور، یکسال است که از نزد همهٔ ما جدا شده و به حق پیوسته است... بدون شک که مرگ حق و روزی یا شبی، دیر یا زود فرا رسیدنی است... خدا را هزار شکر که ما مسلمانیم و به این عقیدهٔ راسخ و محکم استواریم که از خداییم و به سوی او می شتابیم.

روان مارشال فقید شاد باد.

عارفی را سالکی پرسید حال — کز کجا آیی کجا داری خیال
گفت می آیم من از سوی خدا — باز اینک می روم سوی خدا

صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و وزیر امور خارجه، در همایش سالروز شهادت عبدالعلی مزاری:

راز زنده ماندن شخصیت هایی مثل استاد مزاری، در زنده بودن و پویا بودن فکری است که برای آن مبارزه کرده اند



۱۵ حوت - کابل

الحمدلله رب العالمین و الصلوه والسلام علی سید المرسلین، محمد و علی آله و اصحابه اجمعین

محترم استاد محمد کریم خلیلی رهبر حزب وحدت اسلامی، استاد سرور دانش معاون دوم ریاست جمهوری، محترم ارغندیوال صاحب، رهبران محترم جهادی و سیاسی، نمایندگان منتخب مردم در شورای ملی، علمای کرام، جوانان، رهروان راه شهید استاد مزاری، برادران و خواهران؛

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

همایش با شکوه امروزی، برای یادوبود از بیستمین سالگشت شهادت استاد عبدالعلی مزاری است. جا دارد که در آغاز به روح همه شهدای بیش از سه دهۀ اخیر، در رأس آن ها رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان شهید استاد برهان الدین ربانی، قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود، شهید حاجی عبدالقدیر، شهید سید مصطفی کاظمی، شهید عبدالمطلب بیک و ده ها هزار فرمانده و صدها هزار مجاهدی که افغانستان امروزی مدیون فداکاری آن ها است، درود بفرستیم. و همچنان به جان باختگان حوادث طبیعی ولایت پنجشیر و دیگر ولایات کشور درود می فرستیم.

به یاد داشته باشیم، شهدای نامداری که ما و شما همیشه در همایش های مختلف از آن ها یاد می کنیم و همچنان بیش از یک و نیم میلیون شهیدی که در دوره های جهاد و مقاومت به شهادت رسیدند، اهداف والا و آرزوهای بزرگی داشتند که به خاطر آن ها، جان شان را فدا کردند و مسوولیت خود شان را ادا کرده و مسوولیت بزرگتری را به عهدۀ ما گذاشتند که یقیناً تعقیب این مسوولیت راه و اهداف آن ها است.

استاد عبدالعلی مزاری نیز همانند دیگر شهداء برای اهداف و آرزو هایی مبارزه کرده بود که امروز هم میلیون ها رهرو دارد که در آن مسیر می خواهند به جلو حرکت کنند. راز زنده ماندن شخصیت هایی مثل استاد مزاری، در زنده بودن و پویا بودن فکری است که برای آن مبارزه کرده اند.

استاد عبدالعلی مزاری پس از عمری مبارزه، قربانی تروریزمی شد که تا اکنون نیز از مردمِ ما هر روز قربانی می گیرد. همین اکنون می بینید که تروریزم، با انفجار و انتحار در اماکن عمومی و حتی گروگان گیری مردمانِ عادی جامعه، می خواهد انتقام بگیرد. جا دارد در این جا از آن هموطنان مان یاد کنم که از سوی دشمنان این سرزمین ربوده شده اند و امیدوارم به قدرت بازوی توانایی نیروهای امنیتی سرزمین مان از چنگ رباینده گان آزاد شوند و به خانواده های شان برگردند.

همچنان امیدوارم که انشاء الله حکومت وحدت ملی، با دست یابی به یک راه حل معقول و مطمئن در جهت ریشه کن کردن عوامل اصلی جنگ و خشونت در کشور و منطقه، سایۀ شوم ترس و نا امیدی را از سر مردم این کشور بردارد و نسل نو ما، با امید به فردای روشن و مطمئن، زنده گی کنند.

حضار گرامی!

هدف شهدای ما، یک افغانستان سربلند، با عزت، با ثبات، مستقل و توسعه یافته بود که متکی به خودش باشد و به عنوان عضو مفید و توانای خانوادۀ جامعۀ جهانی، مسوولیت های بزرگتر منطقه ای و جهانی اش را به عهده گرفته و نقش سازنده اش را ایفا کند. افغانستانِ امروزی نزدیک به نیم قرن، بستر مبارزات آزادی خواهانۀ مردمی بوده است که دست رد به سینۀ متجاوزین زده اند و این روحیۀ آزادی خواهی، برای مردم و کشور ما بدون هزینه نبوده است. هزینه ای که بسیار سنگین بوده، اما ثمرۀ آن وجود جغرافیای کنونی مان و آزادی و استقلال آن است.

حضار گرامی به ویژه جوانان عزیز!

من همیشه گفته ام و یک بار دیگر می گویم که اگر این شهدا، در عصر و زمان خودشان برای منافع کلان ملی کشور و اهداف والا و مقدس انسانی جامعۀ ما مبارزه کرده اند، ما و شما نیز مسوولیت های ویژه زمان و عصر خود را داریم.

مسوولیت امروزی ما و شما، کار و تلاش برای پیشرفت و توسعه، امنیت و ثبات پایدار و رسیدن به یک جامعۀ استوار بر پایۀ های عدالت اجتماعی، مشارکت همگانی و همدلی اجتماعی است. افغانستان در این چهارده سال اخیر، گام هایی را در مسیر دست یابی به این اهداف گذاشته است، اما توجه داشته باشیم که هنوز هم برای دست یابی کامل به آن باید راه زیادی را طی کنیم. رفتن به جلو و دست یابی به این اهداف، به کار و تلاش مضاعف و مبارزۀ مدنی مستمر نسل نوی ما نیاز دارد.

در بُعد داخلی مسوولیت همۀ ما و شما این است که برای تأمین امنیت و دست یابی به یک صلح عادلانه و جامع کار کنیم. تلاش برای صلح تنها مسوولیت چند نفر و یا یک اداره و نهاد دولت نیست. این یک مسوولیت ملی است که همگی باید برای دست یابی به آن تلاش کنند. افغانستان پیشرفتۀ فردا، تنها با رشد فکری و ارتقای دانش و توانایی علمی نسل نو امروز ما بنا خواهد یافت.

ضمن تشکر و قدردانی از حمایت و پشتیبانی همه جانبۀ جامعۀ جهانی از کشور و مردم جنگ دیدۀ افغانستان در این چهارده سال اخیر، باور دارم که هیچ کشوری در دنیا، تنها با کمک های دیگران آباد نمی شود.

توسعه در هر کشور، محصول امکانات، ظرفیت ها و بستر های بومی یک جامعه است نه چیز دیگر. افغانستان در کنار دیگر امکانات و توانایی های بالقوه و بالفعل اش، ظرفیت بالای بالقوۀ نیروی انسانی دارد که توجه و پرورش خوب آن، دریچه های روشن را در جهت دستیابی به رشد و توسعه به روی جامعه ما می گشاید. به همین دلیل، مسوولیت بزرگ حکومت وحدت ملی در سال های پیش رو، زمینه سازی برای ارتقای ظرفیت و پرورش نسل نوی است که دارای روحیۀ بالای وطن دوستی، اعتماد به نفس معتقد و ملتزم به ارزش های والای اسلامی و انسانی باشند.

حضار گرامی،

یک نکته ای را می خواهم راجع به برخی گزارش هایی که اخیراً در مورد افغانستان و شخصیت های این کشور از جمله برادر مجاهد مان استاد عطا محمد نور که طی چهارده سال اخیر، کارنامۀ روشن در راستای صلح و سازندگی داشته است، و شمار دیگری از سوی دیدبان حقوق بشر نشر شده، بگویم افغانستان امروزی و سازمان های بین المللی، به همکاری و همیاری یکدیگر ضرورت دارند، نه ارائۀ تصویر نادرست از همدیگر.

متأسفانه برخی افراد معلوم الحال، با نفوذ در این سازمان های بین المللی، دنبال اهداف و اغراض شخصی خودشان هستند و تراوشات ذهنی شان را تحت نام گزارش و تحقیق این سازمان ها، به خورد افکار عامه می دهند. در حالی که این گزارش ها نه بر اساس معیار های لازم تهیه شده اند و نه اشخاص و افراد تهیه کنندۀ این گزارش ها، روحیه و باور بی طرفانه در قضایای افغانستان دارند. این گونه گزارش ها که از سوی افراد خاص و با سوء استفاده از نام و نشان برخی مؤسسات بین المللی تهیه و پخش می شود، به اعتبار این مؤسسات و همچنان اعتماد مردم افغانستان نسبت به آن ها آسیب می رساند.

من از مدیران ارشد سازمان دیدبان حقوق بشر می خواهم که نگذارند برخی افراد و حلقات، از نام و نشان آن ها در راستای اهداف شخصی و بدنام سازی چهره های خوش نام و توانای کشور مان، سوء استفاده کنند و اعتبار این مؤسسات را لکه دار بسازند.

حضار گرامی!

جنگ تحمیلی ای که در بیش از سه دهه بر این سرزمین و مردم تحمیل شد، تصویر اصلی این جامعه را در اذهان جهانی مخدوش کرده، و به اعتبارِ منطقه ای و جهانی افغانستان آسیب رسانده است. در چهارده سال اخیر، برای احیای جایگاه مناسب منطقه ای و جهانی افغانستان کار هایی صورت گرفته، اما این تلاش ها بسنده نیست. من همانگونه که در برخی مناسبت های دیگر گفته ام، جا دارد امروز نیز این جا و در جمع شما مردم به تعهدات قبلی ام به عنوان رهبری کننده امور سیاست خارجی کشور، تأکید کنم که: برای پیگیری منافع کلان ملی کشور و اِحیای جایگاه مناسب منطقه ای و جهانی افغانستان از همه انرژی و توان خویش استفاده خواهم کرد.

دست یابی به این اهداف، با یک دستگاه دپلوماسی فعال و توانمند میسر است و دستگاه دپلوماسی ما برای فعال و توانمند شدن بیشتر، به اصلاحات جدی نیاز دارد. اصلاحات، تنها به معنای کنار زدن افراد در یک اداره نیست؛ بلکه با برنامه ریزی راهبردی، ارتقای ظرفیت و استفادۀ درست از ظرفیت ها و امکانات موجود و بدون هیچ تبعیضی، دادن فرصت برای آن هایی که دارای توانایی های خوب علمی و مهارت های بالای مدیریتی اند، نیز می توانند گام های اساسی در جهت اصلاحات باشند.

باید امروز خیلی واضح بگویم که آوردن اصلاحات در ادارات دولتی افغانستان، با موانع زیادی رو برو است، اما مهم این است که هرگز تسلیم این موانع نمی شویم. من باور راسخ و ارادۀ جدی برای آوردن اصلاحات در دستگاه سیاست خارجی کشور دارم تا به اهداف و آرمان های این شهدای معظم ما که عبارت از حضور یک افغانستان سربلند و با عزت در میان جامعۀ جهانی است دست یابیم.

از پشت همین تریبیون مردمی، از نمایندگان مردم در شورای ملی نیز می خواهم که مرا در جهت آوردن اصلاحات، همکاری کنند تا با یک دستگاه فعال و توانمند دپلوماسی، در جهت پیگیری منافع کلان ملی و احیای جایگاه شایستۀ منطقه ای و جهانی کشور کار کنیم. در اخیر یک بار دیگر به روح همه شهدای کشور به ویژه شهید استاد مزاری اتحاف دعا می کنم.

اقول قولی هذا و استغفرالله لی و لکم

والسلام علیکم و رحمت الله

از نخستین سالیاد مارشال فهیم با حضور پُر رنگ مردم در کابل تجلیل شد

اندیشه

از نخستین سالیاد مرحوم مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول ریاست جمهوری، ریاست دورهٔ حامد کرزی، با حضور هزاران تن از راه‌روان او، با حضور رهبران جهادی، رئیس جمهور، رئیس اجرائیه و معاونین ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه، اعضای کابینه، اعضای شورای ملی، سفرا و مهمانان خارجی تجلیل به عمل آمد.

این مراسم با تلاوت آیات متبرکهٔ الهی و نواختن سرود ملی آغاز گردید و سپس سخنرانان در مورد ابعاد شخصیت یگانه مارشال افغانستان، نقش او در تحولات سه دههٔ پسین بیانیه ها ایراد نمودند. در ابتدای محفل عنایت الله نظری سرپرست وزارت دفاع ملی و رئیس کمیسیون برگزاری سالگرد مارشال فهیم به نمایندگی از کمیسیون برگزاری اولین سالگرد، تشریف آوری شخصیت ها و رجال برجستهٔ حکومتی و ملی و



حضور سبز مردم را خیر مقدم گفت و مشارکت گرم و پر محبت آنان را گرامی داشت.

سپس ادیب فهیم فرزند ارشد مارشال به نمایندگی از خانوادهٔ مرحومی سخنرانی نمود. ادیب فهیم ضمن خیر مقدم و اظهار سپاس از غم شریکی مردم، از تمام اشخاص به ویژه ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه و ریاست پیشین ریاست جمهوری در امر برگزاری همایش قدردانی نمود. ادیب فهیم گفت: پدرم فرد قابل اعتماد به همه مردم افغانستان بود و مارشال متعلق به ملت بزرگ افغانستان بود. ادیب فهیم دیدگاه پدرش را در چند مورد به طور فشرده بیان کرد. او گفت: مارشال فقید به اصل نظام و نظام سازی عمیقاً باور داشت و تا آخر عمر در تقویت نظام و تقویت آن همکاری کرد و توصیه داشت تا قدرت از طریق مشروع (انتخابات) دست به دست شود. وی افزود، مارشال فهیم به عنوان موسس ارتش ملی تلاش کرد، تا ساختار هایی امنیتی تقویت شود و ممثل وحدت ملی و قابل قبول برای همه مردم افغانستان گردند. ادیب تصریح کرد: مارشال پروسهٔ مصالحه را نیاز جدی امروز و فردای افغانستان می دانست. مارشال به عنوان یک استراتیژیک بزرگ نقش مجاهدین را در نظام سازی و حضور آنان را در نظام آینده بسیار مهم می دانست.

رئیس جمهور محمد اشرف غنی خبر وفات مارشال را در ۱۸ حوت سال گذشته یک خبر اندوهگین برای مردم خواند. رئیس جمهور نقش مارشال فهیم را در بُعد نظامی و سیاسی ستود. او گفت: مرحوم مارشال با ویژه گی هایی منحصر به فردی که داشت، هم در بُعد سیاسی و هم در بعد نظامی جایگاه ویژه را در چند دههٔ اخیر کسب کرد. مسوولیت پذیری در شرایط دشوار، از جمله صفاتی بود که مارشال فقید قبول کرد. رئیس جمهور افزود، در سالیان اخیر مارشال فقید، چه در حکومت و بیرون از آن، از نظام مرکزی حمایت کرد. غنی تصریح کرد: آقای فهیم در حفظ تمامیت ارضی کشور نقش مهم ایفا کرد. وی با ذکر آخرین دیدارش افزود، یک هفته قبل از شنیدن خبرگ مرگش باوی ملاقات داشتم. در این دیدار مارشال با حفظ دست آوردهای اخیر، طرفدار ایجاد حکومت ملی بود. غنی افزود، از جمله ویژه گی هایی مارشال این بود که طرفدار اعتدال هم در دین و هم در سیاست بود. وی گفت: اگر مارشال زنده بود مشکلات ما در سال گذشته و حال کمتر می بود. رئیس جمهور تأکید کرد که مارشال فقید به شکل اصولی طرفدار صلح بود. چنانکه در سال های جهاد طرفدار تفاهم و همکاری میان گروه های مجاهدین نیز بود. رئیس جمهور گفت: مارشال فهیم در هر شرایط روابط خود را با مردم نگه می داشت و مرگ او خلاء ایجاد کرد که تا هنوز حس می شود. رئیس جمهور تأکید کرد که مارشال کسی نبود که به این زودی ها فراموش شود.

رئیس جمهور پیشین آقای کرزی نیز با ذکر خاطرات از مارشال فهیم گفت: افغانستان را مارشال فقید بسیار دوست و عزیز داشت و در اتحاد و اتفاق مردمش زیاد می کوشید. آقای کرزی تصریح کرد که مارشال مانع شد، تا افغانستان از تجزیه نجات یابد. وی با ذکر خاطره از طرح یک مقام خارجی و مشورهٔ وی در مورد تجزیه، مارشال فهیم را عامل دانست که کشور را از تجزیه نجات داد. رئیس جمهور پیشین از نظریات مارشال در مورد خط دیورند و تصمیم پاکستانی ها، موقف دولت افغانستان یاد کرد و حمایتش را از موقف رئیس جمهور به خوبی یاد کرد. کرزی گفت: فهیم خان به عنوان همکار نزدیکم در قضایایی ملی همیشه غرق بود، یک ثانیه هم از فکرش دور نبود. کرزی افزود من همرایش خوش و آرام بودم، دلیلش این بود که می دانستم سخت وطن دوست است.

داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیهٔ حکومت وحدت ملی در سخنرانی کوتاه گفت: مارشال فهیم با وصف این که صفات حمیده زیاد داشت، اما در پهلویی این ها به مجاهدین بودن خود افتخار می کرد. او یک سنگر استوار و پشتوانهٔ قوی به تمام ملت افغانستان بود. عبدالله عبدالله گفت: ما به عنوان راه روان راه او و ده ها و صدها شهید با نام و گم نام از حق مردم و حق خون مردم دفاع می کنیم و به هیچ کس اجازه نمی دهیم به سرنوشت آنان بازی صورت گیرد. آقای عبدالله گفت: مارشال در قلب تمام ملت ما در سر تا سر کشور جا دارد و از آن به خوبی یاد می کنند. آقای عبدالله تصریح کرد از این جا یک بار دیگر تعهد می بندیم، برای حفظ و استقلال کشور و منافع ملی باقی عمری خود را صرف خدمت می کنیم.

آقای عبدالله عبدالله در مورد صلح نیز حرف های داشت. او گفت: معنای صلح این نیست که مردم از حق و حقوق به دست آمده بار دیگر محروم شوند. ما طرفدار صلح با عزت هستیم و به هیچ آتش افروزی اجازه نمی دهیم جنگ را وسیلهٔ برای گرفتن امتیاز بسازند.

استاد عبدرب الرسول سیاف گفت: جهاد گران و مقاومت گران زینت تاریخ افغانستان هستند و تاریخ این سرزمین با اسلام و جهاد گره خورده است. وی گفت، سال هاست که علیه مجاهدین توطیه ادامه دارد، اگر ما در برابر توطیه ها توان ایستاد شدن را نداریم و اگر جرئت نداریم از مجاهدان به خوبی یاد کنیم، حد اقل بد شان را نباید بگوییم. وی با تقبیح موارد دین ستیزی نمونه های آن را بر شمرد و عملکرد دین ستیزان را محکوم کرد. از حکومت وحدت ملی خواست متوجهٔ این توطیه ها باشند و موقف خود را داشته باشند. او گفت: تروریسم و طالب تصویر سیاه از اسلام ارائه کردند، اما خیلی ها در این جا (اشاره به شهر کابل) هستند که فساد اشاعه می کنند و اسلام بین ظلم و فسق و فساد، نفس های کوتاه کوتاه می کشد. استاد سیاف گفت: ما طرفدار تشنج و بی نظمی نیستیم. این نظام دست آورد مجاهدین است، صلح خواست ماست مشروط به این که جایگاه مجاهدین و دست آورد های تاریخی مجاهدین فدای صلح طلبی های یک طرفه نشود. وی با انتقاد از غیر سیاسی ساختن نهاد های امنیتی تصریح کرد: من منظور رئیس جمهور را نفهمیدم که چگونه نهادهای امنیتی را غیر سیاسی می سازد.؟ او گفت در این سرزمین اگر کسی در سنگر شهید می شود، فرزند یک مجاهد است، اگر رهبری و فرماندهٔ شهید و ترور می شود مربوط به خانوادهٔ جهاد و مقاومت است. پس نیروهای غیر سیاسی از کجا به وجود می آیند که ما تا هنوز دیده نمی توانیم؟ وی گفت: مجاهدین حق دارند، چتری را که بالای سرشان است، از غلطیدنش مطمین باشند.

استاد محمد کریم خلیلی معاون دوم رئیس جمهور پیشین نیز سخنرانی کرد. خلیلی، مارشال مرحوم را یکی از ستاره های درخشان جهاد و مقامت خواند. او گفت: مارشال فهیم یکتن از بنیانگذاران فصل جدید بود، در قوام و ثبات فصل جدید تا آخرین لحظه تلاش نمود و سهم بزرگ داشت. معاون پیشین رئیس جمهور افزود، مارشال فقید همیش طرفدار آرامی بود، سعی کرد جنگ ختم شود و صلح پیاده شود، اما صلح با عزت، صلح در راستای حفظ دست آوردهای جهاد و مقاومت، صلح در راستای دست آورد های سال های اخیر. خلیلی افزود، مارشال در برابر دخالت های خارجی سخت حساس و جدی بود و به هیچ وجه قبول نداشت، تا دست کسانی که در طول چندین دهه نا بسامانی ها را تحمیل ما کردند به سرنوشت ما تصمیم بگیرند. خلیلی گفت: اکنون که مارشال در میان ما نیست، سخت به وجود شان نیاز داریم. آقای خلیلی با هشدار خطر افراطیت و با تأکید بر ادامهٔ راه شهداء از نیروهای امنیتی با قاطعیت حمایت کرد و گفت در برابر هر نوع توطیه و خطر متحدانه خواهیم ایستاد.

همایش یاد بود از مارشال فقید با دعائیهٔ قاضی محمد نذیر حنفی خاتمه یافت. قابل یادد آوری است که مراسم گل گذاری اولین سالگرد، پیش از برگزاری محفل در آرامگاه مارشال فقید تدویر یافته بود.

مارشال می گفت:

ما همیشه بُعد ملی را در نظر می گرفتیم



آنچه می خوانید فـراز هـایی از سـخنان مارشال محمد قسیم فهیم است کـه سـالها پیش در یک مصاحبه با حسینی مدنی مسوول خبرگزاری جمهور، انجام شده اسـت. اینـک بمناسبت اولیـن سـالگرد درگذشـت شـان، پیشکش می گردد:

* ... فقط گفته می توانم که انـسانی هـستم مجاهـد، همیشه با مطالعه سروکار دارم، مـضامین دیـنی بیـشتر مطالعه می کنم و برداشت بخصوص خود را در ارتباط به مبارزه و جهاد و رسالت انسان نسبت به این مسایل دارم. کوشش می کنم همیشه مسوولیت پـذیر باشـم. در رابطه بـه منـافع کـشور و دشـمنان اسـلام، آدم سرسـخت و مقـاوم هـستم. امـا بـرعکس در برابـر مسلمانها آدم با عاطفه و رحم دل می باشم؛ بـه ایـن مسأله زیاد فکر می کنم که چگونـه بتـوانم بـا همـه مردم، رابطهٔ صمیمی و طبیعی را برقرار بسازم.

* در سیاست یک مقوله وجود دارد که می گویند، سیاست نه دوستی دائمی دارد و نـه دشـمنی، یعنی در کل می توانم بگویم، گاهی به خاطـر منافع، سیاستمداران از هم دور و نزدیک مـی شوند، امـا در رابطـه بـه نزدیـک بـودن بـا سیاستمداران، نزد من چند معیار وجود دارد که در قدم نخست مسلمان بـودن مطـرح اسـت، دوم سابقهٔ اندیشه و مبـارزهٔ سیاسـی و سـوم هرکس دارای برنامه و استراتژی باشد، من بـا آن شخص نزدیکتر هستم.

* مـن تـا وقـتی کـه در امـور دولـت مسؤولیت داشتم با افتخار گفته می توانم کـه اوضاع نظامی را توانسته بودم سامان دهم. بـر اساس فیصلهٔ بـن، در افغانـستان مـا همـراه رئیس جمهور یک تیم مشترک را سـاختیم و کار کردیم. اگر در افغانستان کاری هم صورت گرفته در همان دو سال اول بوده و بس. بعـد از آن، کـاری در افغانـستان انجـام نـشده و بحران هم از آن به بعد روز بروز زیادتر شـده است.

* ما در وزارت دفاع همیشه بُعـد ملـی را در نظر می گرفتیم، اکثراً کارها را تحـت نظـر خودمان انجام می دادیم نه با خارجی هـا. بـه این باور بودم که نباید صد درصد تحت تأثیـر آنها قرار بگیریم. ... ما همیشه صـادقانه فکـر می‌کردیم اما طـرف مقابـل، درصـدد از هـم پاشیدن و ضعیف ساختن مجاهدین بـود. نـه تنهـا مـن بلکـه، بـسیاری شخـصیت هـای محوری که بدرد ملـت و جامعـه می‌خـورد از صحنه کنار زده شدند.

* وقتی به من مارشال خطاب می شـود، عزت نفس پیدا می کـنم و خـود را همیـشه نمایندهٔ مجاهدین می‌دانم و این لقب را افتخار تمام دست اندرکاران جهاد و مقاومت می دانم نه تنها منحصر به خودم، و همیشه با شـنیدن این نام احساس مسوولیت می کنم و تجدیـد پیمان به خود می بندم، که در مقابل مـردم و کشور همیشه با مسوولیت باشم.

* ... شب ها و روزها را گرسـنه سـپری کرده ام. من از ثـور ۱۳۵۸ در جبهـه حـضور داشتم، در ولایت کنر با کسانی که همراه مـا بودند و توت هایی که از درخت ها در مابیـن دیوار بودند می کشیدیم و می خـوردیم و روز خود را به سـکوت سـپری می‌کـردیم و ایـن مسئله یک امر معمول بوده که وقتی در جبهه و جنگ باشی، گرسنگی، بی خوابی و زحمـت زیاد دارد.

* ما مجاهد هستیم و کسی که کمر خود را به خاطر جهاد بسته می‌کند، اولین چیزی را که استقبال می‌کند، مرگ است. من بـه ایـن باور هستم که مرگ و زندگی به دست خداوند است به همین خاطر از مرگ نمی ترسم و بـه یک بیت از اقبال لاهوری اشاره می کنم کـه می‌گوید:

سرّ حق او را نظر ما را خبر
او درون خانه، ما بیرون دَر

* تعداد محافظین ما بخاطر ایـن نیـست که ما از مرگ می ترسیم بلکه، بعنوان مارشال مملکت اگر در جایی بـه حادثـه یـا موضـوع مهمی بر می‌خـوریم نبایـد سـرخود را پاییـن بگیریم. اگر بی تفاوت بگذریم و از حق دفـاع نکنیم که به ما حیثیت و آبرو نمی مانـد. اگـر بخواهیم که از کار بدی جلوگیری کنیم، تنهـا می باشیم پس باید گروهی را با خـود داشـته باشیم. باید از حق یک مظلـوم بتـوانیم دفـاع کنیم، نه اینکه سرخود را پـایین انداختـه تیـر شویم. در هر حالـت مـا نـسبت بـه وطـن و هموطنان خود احساس مسوولیت می کنیم.

* کتاب می‌خوانم، در رابطه به موضوعات سیاسی، به جراید زیادتر علاقه منـد هـستم و همیشه در هر اخبار و جریده که به دستم مـی افتد صفحهٔ سیاسی اش را بیشتر مورد مطالعه قرار می دهم.

* چون همیشه مسؤولیت داشـته ام مـی فهمم که هرکسی دارای یک درد مـی باشـد تاحد امکان کوشش می کنم در مقابـل حتـی دشنام هم با حوصـله باشـم و هیچگـاه قهـر نشده ام.

مروری بر برخی رویدادهای مهم امنیتی کشور

۸حوت:

* حمله جمعه شب در ولایت ننگرهار، که در مرز ولسوالی‌های بهـسود و کامه اتفاق افتاد، هدف این حمله، فریدون مهمند نمایندهٔ مجلس نماینده گـان ننگرهار بوده است که جان سالم بدر برد اما گزارش شده است در ایـن حملـه چهار غیرنظامی از جمله دو کودک کشته و ۱۴ تن دیگر زخمی شده اند. گفته می شود که دو محافظ آقای مهمند هم در میان زخمی شدگان هستند.

۹حوت:

* به قول رسانه ها، گفته می شود که از سه روز بـه ایـن طـرف حـدود چهارصد خانواده در منطقه تریخ ناور ولسوالی مارجهٔ ولایـت هلمنـد از سـوی مخالفین مسلح به محاصره گرفته شده انـد. گـزارش هـای وجـود دارد کـه مخالفین مسلح در برابر در ورودی منازل این خانواده ها ماین گذاری کرده اند. این در حالیست که از حدود دو هفته بدینسو عملیات تصفیوی زیر نام ذوالفقـار در شماری از ولسوالی های هلمند از سوی نیروهای امنیتی براه انداختـه شـده است. به گفتهٔ یکی از بزرگان قومی ولسوالی مارجه به رسانه ها، طالبان مسلح این افراد را به خاطری به محاصره گرفته اند که آنان این مخـالفین مـسلح را ضعیف خطاب کرده بودند.

* گفته می شود که آقای حمید الله هاشمی آمر مرکز تعلیمـی و تربیتـی لشکر ۲۰۹ شاهین در شمال کشور به وسـیلهٔ یکـی از محافظـانش بـه نـام عبدالبصیر توسط چاقو زخمی شده و پس از انتقـال بـه بیمارسـتان درگذشـته است. سرپرست فرماندهی امنیهٔ ولایت بلخ به رسانه ها گفته است، این رویداد شب گذشته در منزل وی در ساختمان های روشن پلازا در شهر مزارشریف به وقوع پیوسته است. علت این قتل روشن نشده است.

* وزارت امور داخله با نشر خبرنامه ای گفته است، در عملیات های که در مربوطات ولایت های قندهار، زابل، ارزگان، هلمند، پروان، غزنی و هـرات بـه همکاری نیروهای ارتش ملی و امنیت ملی راه اندازی گردیده بود، در جریـان این عملیات ها ۱۳ مخالف مسلح کشته و یک تن دیگر زخمی و ۱۲ شورشـی دیگر نیز توسط نیروهای امنیتی کشور بازداشت شدند.

* در نتیجه عملیات فتح زمستانی که به هدف پاک سازی مناطق شـیرم ها و بورقوت در مرکز و لایت سرپل و ولسوالی سوزمه قلعـهٔ ایـن ولایـت از سوی نیروهای امنیتی کشور راه اندازی شده بود، بیش از ۹۰ تن از طالبـان مسلح کشته و زخمی گردیدند. به گفتهٔ مقام های امنیتی سرپل به رسانه ها، از پاک سازی تمامی منطقه بورقوت ولسوالی سوزمه قلعـه و بخـشی هـای مهمی از مناطق شیرم ها در مرکز این ولایت در عملیاتـت اخـیر خـبر داده است. و می افزایند که در این نبردها یک تن از نیروهای خیزش مردمـی و یک سرباز ارتش نیز بطور سطحی زخمی شده اند. گفته مـی شـود در ایـن عملیات، جسد غلام حضرت مشهور به طوفان قوماندان ارشد نظامی طالبان و جسد دو تن از مخالفان بدست نیروهای امنیتی افتاده است.

۱۰حوت:

* به گزارش رسانه ها، مقام های امنیتی ولایـت فاریـاب از کـشته و زخمی شدن پنج خانم بر اثر انفجار ماین جاسازی شده طالبان مسلح دولـت در ولسوالی گرزیوان این ولایت خبر دادند. ولسوال گرزیوان گفت است، این رویداد در یک پاسگاه امنیتی نیروهای مردمی در نزدیکی قریهٔ غولیـان ایـن ولسوالی بوقوع پیوست که بر اثر آن، ۲ خانم از اهالی این روستا کـشته و ۳ تن دیگر شان زخمی گردیده اند. به گفته وی، کسانی که در ایـن پاسـگاه امنیتی به سر می بردند؛ شب گذشته به دلایل نامعلوم ناپدید شـده بودنـد و زمانیکه خانواده های آنان از این موضوع باخبر می شوند برای آگاهی از چند و چون قضایا به این پاسگاه می آیند که در آنجا بر اثر انفجار ماین جاسازی شده، تعداد شان کشته و زخمی می شوند.

۱۱حوت:

* در خبر نامهٔ وزارت امور داخله آمده است، در اثر انفجار مواد انفجاری جاسازی شده از سوی هراس افگنان درولایت ننگرهار، دو دانش آموز شهید و یک دانش آموز دیگرزخم برداشته است. این رویداد حوالی ساعت ۸:۱۵ صبح امروز در مربوطات حوزهٔ پنجم امنیتی شهر جلال آباد هنگـامی بـه وقوع پیوست که مقداری مواد انفجاری که به تازه گی از سوی تروریستان در زیر یک پُل فرعی جاسازی شده بود، منفجر گردیده است.

۱۲حوت:

* به اساس گزارش ها، پس از آنکه تلاش های حکومـت از طریـق جرگهٔ بزرگان قومی برای رهایی حدود ۳۰ تن از مسافران ربـوده شـده در ولایت زابل نتیجه نداد، نیرو های افغان عملیات نظامی را در راستای نجات این افراد از چنگ رباینده گان به راه انداختند. این عملیات سحرگاه امـروز در ولسوالی خاک افغان ولایت زابل آغاز شد. به گفتهٔ قوماندان امنیهٔ زابـل به رسانه ها، تا حال در جریان عملیات بیش از ۳۲ تن از افراد وابـسته بـه گروه داعش کشته شده اند.

* بقول رسانه ها، بر اثر یک حملهٔ انتحاری در ولسوالی سـنگین ایـن ولایت در جنوب افغانستان ده سرباز امنیتی و چهار غیرنظامی کشته شدند. این حمله با یک موتر بمب گذاری شده، که گوسفند بار بـود و بـه همیـن بهانه می خواست وارد یک مرکز نظامی شود، هنگامی انجام شده است که نیروهای امنیتی در حال انجام عملیات نظامی بودند. گفت شده که، در این حادثه هفت سرباز امنیتی و یک غیر نظامی نیز زخمی شده‌اند.

۱۶حوت:

* در خبرنامهٔ وزارت امور داخله آمـده اسـت، تعـداد از افـراد مـسلح ناشناس با استفاده از سلاح نوع تفنگچه خپ کن دار حوالی سـاعت ۶:۰۰ شام امروز شنبه داخل خانقاه بهادر آغا واقع کمپنی، مربـوط ناحیـهٔ پنجـم شهر کابل گردیده و بالای نماز گزاران که در حال ادای نماز شام بودند بـا شلیک گلوله مورد هدف قرار می دهند که در نتیجهٔ این حادثه به تعـداد ۶ تن از نماز گزاران شهید و به تعداد ۵ تن دیگر شان مجروح گردیده اند. به ارتباط این قضیه ۵ تن مشکوک توسط مـوظفین پـولیس حـوزهٔ پنجـم دستگیر گردیده اند.

نامهٔ اعتراضیهٔ سترجنرال عطامحمد نور

در پیوند با نشر گزارش بی بنیاد و عاری از حقیقت دیدبان "حقوق بشر"



ادامه از صفحهٔ اول

گزارش دیدبان حقوق بشر نفوذ سیاسی مرا در شمال کشور خلاصه نموده. این ادعا نیز عاری از حقیقت است. چون من در تمامی نقاط کشور پایگاه و جایگاه اجتماعی و موقف سیاسی خود را در میان طبقات مختلف اجتماعی دارم.

در این گزارش نوع ادعاهای پارادوکسی به چشم می خورد. از یکسو بر من اتهام وارد کرده اند و از سوی دیگر به گزارش هایی در مورد من استناد کرده اند که رسانه های ملی و بین المللی از دستاوردها و کارنامه های من نسبت به برقراری ثبات در ولایت بلخ ستایش کرده، پخش کرده اند. حالا اینجا با ساده ترین رویکرد می توانیم داوری کنیم که رسانه های ملی و بین المللی دقیق و بر حق اند یا این دیدبان حقوق بشر؟

در مورد حزب جمعیت اسلامی افغانستان نیز این گزارش کوتاهی های فراوانی دارد. باید خاطرنشان سازم که جمعیت اسلامی در سطح کشور دفاتر فعال و همسان دارد. به علاوه آنکه این حزب در شمال جایگاه مهمی دارد در جنوب، شرق و غرب کشور نیز چنین جایگاهی را دارد. نمونه های بارز آن فعالیت دفاتر حزب در قندهار، هرات، هلمند، پکتیا، پکتیکا، غزنی، وردک، خوست، فراه و سایر ولایات است. برچسپ زدن داشتن افراد مسلح غیر مسوول به من چیزی بیشتر از خندیدن به خِرد نویسندگان این گزارش نیست. وقتی در جریان مسوولیتم در فرماندهی قول اردوی شماره ۷ نه تنها آن پایگاه نظامی را حسب پیشنهاد خودم و منظوری مقامات مرکزی لغو کردم که بیش از ۶۰ چین تانک وسایط زره پوش، صدها میل سلاح ثقیل و خفیف را تحویل پروسهٔ دی دی آر نمودم و پایه گذار این روند در کشور شدم. اما توزیع بسته های زمین برای افراد و دسته های متعلق به من نیز چیزی بیشتر از یک اتهام نیست. من به عنوان والی این ولایت حسب اصول وظیفوی در شهرک های قانونی برای مستحقین و متقاضیان ساکنین ولایت های مختلف بر بنیاد اصول، دستور توزیع زمین داده ام. اما هرگز این زمین ها به صورت غصبی و کتله ای نبوده است. در صورتیکه بتوانید مدرکی در این مورد ارایه کنید حاضرم تمام گزارش شما را مهر صحه گزارم. توجه کنید زمین چیزی نیست که در جیب نگهداری و پنهان کرده شود.

در بخش این گزارش بی اساس، از استخدام افراد متعلق به من در صفوف پلیس نگاشته شده است. می خواهم تذکر بدهم که من تمامی نیروهای امنیتی این کشور را فرزندان زحمتکش این سرزمین و تن پاره های خودم می شمارم، اما بحث تعین افراد در صفوف پلیس نه از صلاحیت والیان که از صلاحیت وزارت امور داخله و بر اساس اصول است. آیا از دید شما حضور مجاهدین و مقاومت گران و آنانی که برای آزادی سرزمین شان از خون شان مایه گذاشته، صخره ها را بالین و کوه پایه ها را سنگر آزادی برگزیدند تا طالب و القاعده امنیت منطقه و جهان را با تهدید مواجه نکنند، در صفوف پلیس کار ناشایسته است؟ هرگز نه! آنان سزاوار مقام های بلند و جایگاه رفیع اند. پاسداری از قهرمانان و فداکاران خاصهٔ آدم های قدر شناس و با وجدان است. من از مسوولان دیدبان حقوق بشر می خواهم که بیایند و حقیقت عینی بلخ را تماشا کنند. در بیش از ۷۰ واحد اداری این ولایت، تنها یک همسنگر من که شخصیت روحانی نیز است در مسند ریاست روضهٔ مبارک قرار دارد و بقیه مسوولان رده های بالایی متعلق به تمام اقوام و ولایات مختلف کشور است که اکثریت آنها از طریق رقابت آزاد، تکمیل معیاری پروسهٔ استخدام مطابق به شایستگی و تخصص تعین شده اند. در بخش دیگر این گزارش ادعا شده که گویا من در سال ۲۰۱۱ دو گروپ ملیشه ها را رهبری و حمایت می کردم. لطفاً توضیح دهید که در کجا و با کدام مشخصات؟ در میان رهبران سیاسی افغانستان که مخالف ملیشه سازی اند بیشتر و پیشتر از هر کسی من در عمل این کار را ثابت کرده ام. در جریان فرماندهی قول اردوی شماره ۷ تمامی عساکر خود را به کاغوش ها فرستادم تا آموزش های نظامی را فرا بگیرند و به عنوان دانش آموخته های نظامی در خدمت مردم باشند نه ملیشه ها.

در بحث نیروهای پلیس محلی که در این گزارش اربکی خوانده شده است، نیز دیدبان حقوق بشر به خبط رفته است. من مخالف تشکیل پلیس محلی بودم، اما ژنرال بسم الله محمدی وزیر امور داخلهٔ وقت و فرماندهٔ نیروهای آیساف از من خواستند که به هدف موثریت این نیروها در امر تامین امنیت، موافقت کنم. اما هیچگاه تشکیل پلیس محلی به ۱۵۰۰ نفر نرسیده و ارقام ارایه شده در این گزارش بیشتر واهی و شایعه است. تشکیل و استخدام پلیس محلی طبق طرزالعمل استخدام بر اساس تضمین و حمایت مردم در تبانی با پلیس ملی و بعد از بررسی پیشینهٔ افراد توسط امنیت ملی و منظوری وزارت امور داخله صورت می گیرد که وجوه مالی آن نیز از سوی نیروهای بین المللی پرداخت می گردد. با توجه به احصائیهٔ رسمی فرماندهی امنیهٔ ولایت بلخ تشکیل پلیس محلی در ابتدا ۸۰۰ نفر و در حال حاضر به ۷۱۰ نفر رسیده است. که از این میان در ولسوالی چهاربولک ۲۷۰ تن شامل ۱۳۵ نفر پشتون، ۵۶ نفر عرب، ۶۵ نفر ازبیک و یک نفر هزاره و ۱۳ نفر ترکمن، در ولسوالی چمتال ۲۷۰ تن شامل ۱۱۰ تن پشتون، ۱۸ تاجیک، ۱۱۰ عرب و ۳۲ نفر هزاره. در ولسوالی شولگره ۱۷۰ تن شامل ۳۴ پشتون، ۲۰ تن تاجیک، ۲۳ تن عرب، ۵۰ ازبیک و ۴۳ تن هزاره می باشد. لذا با توجه به این اسناد رسمی، گزارش دیدبان حقوق بشر مبنی بر حضور ۱۵۰۰ نفر پلیس اربکی، شایعه و خطای بیش نبوده و این افراد هیچ وابستگی به من ندارند.

فرمانده ودود که از جوانی تا اکنون در خدمت مردم است هم در مبارزه با ارتش شوروی پیشین و هم تروریسم و طالبان نقش داشته است. او برخلاف گزارش شما، نه از ۲۰۱۱ که از ۲۰۰۵/۲۰۰۶ به عنوان فرماندهٔ امنیهٔ چهاربولک و از ۲۰۰۸ تا اکنون فرماندهٔ امنیهٔ ولسوالی بلخ است. او که بارها مورد آماج حملات انتحاری و بمب گذاری قرار گرفته و با حمایت مردم جان سالم به در برده است. من نیاز ندارم به فرماندهان پول توزیع کنم. اگر قرار باشد به قول شما به ۴۵۲ فرمانده ماهوار ۳۰۰۰۰ دالر بپردازم، هزینهٔ یک سالهٔ آن را خود حساب گیرید. معلوم است که در اینجا نیز دست از خطا کاری برنداشته اید.

با توجه به این که بلخ از دایرهٔ داوری های ملی و بین المللی نقطهٔ قابل توجه و الگو در سازندگی، امنیت و توسعه در سطح افغانستان است، اتهامات شما نوع مقابله با دستاوردهای مردم بلخ و ادارهٔ محلی و اهانت در حق مردم و حکومت محلی است. چه انگیزه و کدام خِرد می تواند دستاوردهای بلخ را با این همه شایعه پراگنی خدشه دار کند؟ معلوم است که این گزارش چیزی بیشتر از یک پروژهٔ سیاسی و لابی گری نیست. محل گرایی در این گزارش نیز نشانه ای از ایجاد درز و نفاق میان مردم است. در این گزارش از غرب ولایت بلخ یاد شده است، ندانستم به چه منظور! اما من به عنوان والی بلخ، شرق، غرب، جنوب و شمال این ولایت را به یک دید نگاه می کنم و خود را در برابر همه به صورت یکسان مسوول حساب می کنم و همه ادارات دولتی تحت کنترول و ادارهٔ من است. توجه کنید که نیروهای امنیتی مطابق اصول و در کل حکومت محلی در این ولایت تابع فرمان من است. در این گزارش تلاش شده است از موقف کسانی دفاع شود که در انتخابات ۲۰۰۹ در چهاربولک نا امنی را برپا کردند، مواد حساس انتخاباتی را به آتش زدند، کنار جاده ها ماین گزاری کردند و اینک نیز پلیس، امنیت، ارتش، معلم، دانش آموز، قریه دار و حتی نمازگزاران را در مسجد هدف قرار می دهند و امنیت عمومی را صدمه می زنند. شاید مضحک ترین بخش این گزارش، اتهام قاچق مواد مخدر بر من باشد. بلخ که از ده سال بدینسو عاری از کشت کوکنار است و حتی ولایات همجوار نیز، چه گونه می شود، والی آن قاچاق مواد مخدر را انجام دهد؟ ارقام رسمی به دست آمده از نهادهای امنیتی ولایت بلخ نشان می دهد که طی سالهای ۱۳۹۲/۱۳۹۳ (۲۰۱۳/۲۰۱۴) ریاست امنیت ملی و پلیس ملی ۳۰۲,۰۶۱ کیلو گرم پودر هیروئین، ۲۰۷۷,۲ کیلو گرم تریاک، ۵۵۲۷ کیلو گرم چرس، ۲۸۸۶۷ لیتر مشروبات الکلی کشف و به دست آورده است.

بدون شک عاملی که ممکن است شما را وادار به اتهام وارد کردن قاچاق مواد مخدر بر من کرده باشد، دست سیاه مافیای مواد مخدر است که من راه های قاچاق آن را در بلخ بسته ام. در غیر آن کدام چشم با بصیرت می تواند بلخ عاری از کشت خشخاش را منبع قاچاق مواد مخدر و مناطقی را که در زیر میله های تفنگ و کفش های نظامی و چین زره پوش های نیروهای خارجی سرشار از کشتزارهای تریاک و چرس است که از فضا و زمین تحت کنترول نیروهای خارجی قاچاق مواد مخدر صورت می گیرد، با چشم باز، اما پوشیده عبور کند؟

در حالیکه صدها میلیون دالر در امر مبارزه با مواد مخدر در حالی به مصرف می رسد که با وجود حضور نیروهای بین المللی که تا به دندان مسلح هستند، هنوز در شماری از ولایاتی چون قندهار، هلمند، زابل... با وجود امکانات مدرن فرودگاه ها هنوز هم تولید، قاچاق و ترافیک مواد مخدر صورت می گیرد، اما قاچاقبر مواد مخدر والی بلخ است؟

ناصرخان به قول دیدبان حقوق بشر نام مستعاری است که با او مصاحبه شده و ادعا کرده است که گویا ملیشه های عطا محمد نور خانه های مردم را غارت کرده است. میخواهم تذکر دهم که منبع شما در شهرک افغانیه کسانی است

ص۷

نظارت شوراهای ولایتی

□ هارون

اعضای شورا های ولایتی به وسیلهٔ فرمان تقنینی رئیس جمهور قرار است این حق را بدست آورند. وقتی به تاریخ ۸ دلو ولسی جرگه حق نظارت بر این مجلس را برای حود محفوظ داشت و این حق را از شورا های ولایتی باز پس گرفت، اعضای شورا های ولایتی دروازه های این شورا را در ولایت های بستند و دست به اعتراضات مدنی زدند و از یک ماه بدینسو فعالیت های این شورا به حالت تعلیق در آمده است.

شورای وزیران حکومت وحدت ملی این حق را از صلاحیت های رئیس جمهور دانست تا از طریق فرمان تقنینی حق نظارت بر شوراهای ولایتی را باز گرداند. سخنگوی ادارهٔ امور گفته است که فرمان تقنینی به زودی از سوی رئیس جمهور در حق نظارت بر شورا های ولایتی صادر خواهد شد؛ اما تا اکنون این فرمان در رسانه ها به نشر نرسیده است. کمیسیون هماهنگی شورا های ولایتی افغانستان تاکید دارند که این فرمان باید در رسانه ها به نشر سپرده شود، تا مردم از صحت سقم و میزان صلاحیت های آنها آگاه گردند.

رئیس جمهور غنی از یک چهارچوب منظم قانونی در مورد حق نظارت شورا های ولایتی سخن گفته است. شورا های ولایتی بخاطر نظارت از کارکردهای ادارات محلی دولتی طبق یک پلان منظم باید کار کنند و رئیس جمهور بر یک چنین فعالیت های منظم و قانونی همواره تاکید می ورزد تا قبل از همه این چهارچوب فعالیت ها مشخص گردد. بعضی از تحلیل گران به این باور اند که حق نظارت می تواند در از بین بردن فساد و بهبود ادارات مهم تلقی گردد.

قانون جدید شورا های ولایتی که از سوی پارلمان در دلو سال جاری به تصویب رسید، و در آن حق نظارت را برای خود محفوظ و این حق از شورا های ولایتی گرفته شد. این تصویب شورا های ولایتی نیز مورد اتفاق همه قانون دانان کشور نبوده است و از نظر آنها پاسخگوی نیازمندی ها، شفافیت و حسابدهی را در ادارات محلی موجب نمی گردد. از نظر این عده از حقوق دانان گرفتن این حق می تواند میزان فساد و تطبیق نشدن قانون را سبب گردد. بعضی باورها این است که حق نظارت بر شورا های ولایتی، می تواند اداره های محلی را در سالم سازی، تطبیق پروژه ها و بودجهٔ محلی یاری رساند و این نظارت قادر خواهد بود، تا عدالت محلی را در چارچوب ولایات به وجود آورده و مبارزه با فساد را سرعت بخشد و از حیف و میل بودجه و مصارف اضافی جلوگیری نماید.

آنچه در این موضوع مهم است، مشکل قانون اساسی و حوزهٔ صلاحیت های این شورا ها می باشد. در مادهٔ ۱۳۹ قانون اساسی آمده است: در تامین اهداف انکشافی دولت و بهبود امور ولایت به نوعی که در قانون تصریح می گردد، سهم گرفته و در مسایل مربوط به ولایت مشوره می دهد. در قانون اساسی افغانستان حق نظارت از کارکرد های دولت از وظایف پارلمان کشور است، نه شورا های ولایتی.

روی این معضل قانونی و گنگ بودن این صلاحیت به شورا های ولایتی، پارلمان کشور این حق را از شورا های ولایتی سلب و برای خود اختصاص داد. استدلال ها امروز بر این محور استوار است که پارلمان باید مرجع اول دولت؛ یعنی بر اعمال کابینه و بودجه به صورت کُل که در آن توازن در ولایات در نظر گرفته شود و موارد دیگر، دارای صلاحیت ویژه است؛ اما نظارت بر اعمال ادارات محلی و شیوهٔ مصرف بودجه و پروژه های انکشافی در ولایات از طریق شورا های ولایتی باید مورد نظارت قرار گیرد و بر اساس این استدلال حق نظارت بر شورا های ولایتی داده خواهد شد.

رئیس هیئت اتحادیهٔ اروپا ستیفن هبر در نشستی که با اعضای کمیسیون هماهنگی شورا های ولایتی در کابل گفته است، که تلاش خواهد کرد تا حق نظارت دوباره به این شورا های داده شود. وی گفته است، در نشستی که با رئیس جمهور داشته است، روی این موضوع بحث نموده و به این حق اصرار نموده است. رئیس اتحادیهٔ اروپا گفته است که از اعتراض شورا های ولایتی پشتیبانی می نماید و باید این حق برای آنها محفوظ گردد. این هیئت بلند پایهٔ اروپایی گفته است، که حکومت افغانستان وقتی مشروعیت پیدا می نماید که ادارات محلی از حمایت مردم عام و یا نماینده های آنان به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر خوردار گردند. این اتحادیه اظهار نموده است، از این به بعد کمک های اتحادیهٔ اروپا از طریق ادارات محلی و به کمک و مشورهٔ شورا های ولایتی تطبیق می گردد.

رئیس جمهور با درک این مسالهٔ مهم خواسته است، تا با فرمان تقنینی این معضل را برطرف سازد؛ اما مشکل مهم مقابله و رویا رویی رئیس جمهور با پارلمان کشور خواهد بود؛ زیرا هر فرمان تقنینی باید بخاطر طی مراحل قانونی به مجلس پارلمان رویت داده شود، تا مراحل قانونی آن طی مراحل گردد و هر فرمان تقنینی باید مطابقت با قانون اساسی داشته باشد، در غیر آن تنش میان رئیس جمهور و پارلمان به وجود خواهد آمد.

دسولې نوې هڅې؛ د پاکستان علاقمندي او د افغان دولت مسوولیت

□ رفیق بحر

په افغانستان کې جګړه چې د افغان دولت او ترشايې نړيوالې ټولنې او وسله والو مخالفينو پيل شويده، ورسره سم په هېواد کې امنيتي وضع ورځ تربلې خرابيږي؛ افغان دولت ونکولای شو چې د خپلو وسله والو مخالفينو مخالفت او جګړه ختمه کړای شي بلکې، د دواړو لوريو ترمينځه روانه جګړه کې دملکي تلفاتو شميره ورځ تر بلې ډيريږي، چې د هغې يو ثبوت څو ورځې وړاندې د ويکليکس هغه يو راپور دی چې اوس اوس افشاء شويدی، چې وايي په ۲۰۰۸ ميلادي کال کې د ملکي تلفاتو شميره د ۲۰۰۷ ميلادي کال د تلفاتو شمېرې په پرتله ۴۶ سلنه زياته شوې وه.

له همدې امله د ملي وحدت حکومت رامينځته کېدو سره سم، ددې حکومت په اولويتونو کې شامل شويده چې بايد د سولې لپاره جدي هڅې وشي او په همدې بنياد د ولسمشر غني پاکستان ته د سفر پر مهال، د پاکستان ملکی چارواکو سربېره نظامي او استخباراتي مسوولينو سره د ليدنې پرمهال يو بل ته ډاډ ورکړای شوی وو چې نور د دواړو هيوادونو د وسله والو مخالفينو خپلو دولتونو ته په سپارلو کې او پدې لړکې د سولې لپاره زمينو برابرولو کې به د زړه له کومې همکاري کوي؛ چې د چين هيواد لخوا د سولې هڅو ته دانګلو او په افغانستان کې اقتصادي پروژو پرمخ بيولو هوډ دغه اراده نوره هم پياوړې کړه؛ ځکه له يوې خوا چين د خپلو هغو وسله والو مخالفينو د خواکمن کېدو له وېرې دې کارته اړتيا لري چې، د يو غور د مسلمانانو لخوا په سينکيانګ کې ورځ تربلې پياوړي کيږي. او له بلې خوا چين چې کله اقتصادي پروژو ته ليوالتيا ښايي نو په افغانستان کې د وسله والو مخالفينو د روزنځايونو په هکله خو داجوته ده چې پاکستان کې دي، نو د چين او پاکستان استراتيژيکه دوستي دا نه ايجابوي چې پاکستان لدې وروسته هم د افغان دولت وسله والو مخالفينو ملاتړ وکړي او په خپل هيواد کې يې روزنځايونه ولري او بيا پدې روز نځايونو کې د نورو وسله والو ترڅنګه د يوغور ځينې مسلمانان هم شتون ولري؛ هغوی چې د چين لپاره ګواښ دی.

نو ځکه پاکستان د افغان دولت د وسله والو مخالفينو ترمينځه د سولې هڅو پرمخ بېولو کې اراده څرګنده کړيده او پاکستاني چارواکو د خپلو زړو پاليسيو پرخلاف داخل افغان دولت ته ددې ډاډ ورکړی چې په طالبانو په فشار راوړې څو يې سولې ته اړکړي.

همدارنګه د تېر ميلادي کال په وروستی مياشت کې د پاکستان په يو پوځي ښوونځي باندې د پاکستاني طالبانو لخوا ترسره شوي بريد، چې پکې د نږدې يو نيم سل په شاوخوا کې زده کوونکي او استادان يې و وژل شو، نور پاکستان دې نتيجې ته ورسولو چې د خپلو وسله والو مخالفينو د مخنيوي لپاره افغان دولت سره هم د هغوی په وسله والو مخالفينو باندې د فشار راوړلو همکاري وکړي، چې لامله يې په پاکستان کې د افغان مهاجرينو د راوستلو او بندي کولو پراخه لړۍ هم آغازشوه او په نتيجه کې يې په قطر کې د طالبانو موجود دفتر لخوا ځينې طالب چارواکو چين ته سفرونه ولرل او د ځينو راپورونو له مخې د امريکايانو سره هم مذاکرات ترسره شول (که څه هم دواړو لوريو دغه راپورونه رد کړيدي) او بيا پدې وروستيو کې په پاکستان کې د ملاحسن او ملاعبدالجليل په نومونو طالب مشرانو پاکستان ته سفرونه لرل او د ځينو پاکستاني مشرانو سره يې ملاقاتونه ترسره شوي دي او هم په قطر کې د طالبانو نماينده (طيب آغا) ناروي هيواد ته د يو راپور له مخې سفر کړيدی او د ولسمشر غني د امنيتي سلاکار حنيف اتمر قطر ته د سفر پر مهال يې هلته د ځينو نورو طالب مشرانو سره دليدلو راپورونه رامينځته شويدي، چې له مخې يې د قاري دين محمد افغان دولت سره د مذاکراتو لپاره افغانستان ته راتګ خبرې هم ګرمې شوې دي خو د طالبانو دفتر دغه ټولې اړيکې ردوي.

دا هڅې پداسې وخت کې ترسره کيږي چې د افغانستان دننه د طالبانو د سپينو بېرغونو پرځای د تورو بېرغونو د اوچتېدلو او داعش په نوم نوې ډلې سيمې ته د راتګ خبرونه هم ورځ تربلې زياتيږي او په ډېرو مجهزو وسلو سمباليږي؛ چې پدې لړکې د زابل په شاه جوی ولسوالی کې څو ورځې مخکې په امريکايي وسلو باربو موټر هم نيول شوی وو او ويل شويدي چې په غزني کې مېشتو د داعش جنګيالېوته وړل کېدلې. د سپينو بېرغونو په تورو بېرغونو بدلېدلو او د داعش په افغانستان کې د زياتېدلو پروسې د افغانانو سره د پاکستان او امريکا په اراده شکونه هم راولاړ کړيدي؛ چې داڅه معما ده؟ خو داسې برېښي چې دايوه نوې پروژه ده چې ښايي ګواښ يې دسيمې نورو هيوادونو ته هم متوجه اوسي او ددې امکان شته چې پاکستان هم لدې ځخه ويره ولري؛ ځکه خو يې د سولې هڅو ته ليوالتيا ښودلې ده.

خو داهم امکان شته چې پاکستان د نړيوالې فشار ځخه د خلاصون په نيت په ظاهره د طالبانو د سولې په لورې ورګډولو څرګندونه کوي او پدې لړکې هغه طالبان هڅوي چې سولې ته له پخوا ځخه ليوالتيا لري او هغوی چې د دوی په حق کې د نامناسبو شرايطو لامله سولې ته تن نه ږدي نو ښايي ورته ووېلي شي چې د داعش پروژې ته لاړشي، د کومې مالي او امکاناتي امتيازات چې د طالبانو ځخه هم زيات دي.

په وروستيو کې د پاکستاني چارواکو او نظامي مسوولينو افغانستان ته څو خلي راتګ؛ لکه دوه اونۍ وړاندې راحيل شريف او رضوان اختر راتګ، هم ښايي پدې اړه د باور پېداکولو يوه هڅه وه. خو که چېرې د سولې د هڅو کاميابولو لپاره د پاکستان دولت او هم افغان دولت د زړه له کومې قدمونه اوچت نکړي او د سولې په ليار کې پرتو خندونو په پورته کولو سره صداقت ونه ښودلی شي او هم افغان دولت او د طالبانو مسوولين يو بل ته له خپلو شرطونو ځخه نسبي تنازل ونکړي، نو ښايي دغه مسير بد عواقب ولري او هغه داچې د داعش خواکمنتيا (چې د طالبانو مختلفو قوماندانو له لورې د سولې د هڅو په ردولو کې رامينځته کيږي) صورت ومومي نو بيا داعش د خپل ترکيبي جوړښت له مخې، چې د چيچنيايي او يوغوري مسلمانانو په ګډون پکې مختلف قومونه شتون لري او جوړې يې هم ډېرې لېرې رسيږي، ښايي په سيمه کې خواکمنتيايي د نوروګاونډيو لکه ايران، روسيي او چين لپاره هم ګواښ شي؛ چې بيا به د افغانستان دولت د سيمې له نورو ګاونډيانو سره هم ستونزې پيداکړي. نو ځکه اړينه داده چې دسولې د هڅو د پياوړي کولو لپاره مؤثر قدمونه اوچت شي او د هر هغه چا ځخه پدې لړ کې افغان دولت مرسته وغواړي چې د سولې لپاره باور او مؤثريت ولري چې پدې لړکې د سولې د شورا د ترکيب بدلون يې له ټولو لومړنی غوښتنه ده؛ ځکه سوله د هغو څېرو په هڅو رامينځته کېدای شي چې د هيواد په سياسي وضعيت د پوره معلوماتو لرلو تر څنګه د جګړې دواړو لوريو کې يوشان اعتبار او باور ولري او هم د سولې په صورت کې د بغاوت کوونکي لورې په مجبورولو کې له بل لورې سره په ودريدلو سوله يقيني کړي.

نامهٔ اعتراضیهٔ ستر جنرال عطامحمد نور...

که در گروگان گیری فرزند فرمانده مله، ترور مدیر معارف ولسوالی نهرشاهی، ترور معلم صابر، ماین گذاری در مسیر موتر فرمانده مله و فرمانده قهار، حمله بالای پوستهٔ شهرک که سه پلیس را شهید کرده اند، حمله بالای چند باب مکتب، حمله بالای موتر کمیسیون انتخابات و حریق مواد انتخاباتی و شهادت و زخمی کردن دو کارمند آن کمیسیون و ده ها مورد دیگر که اسناد و مدارک آن در ریاست عمومی امنیت ملی در مرکز وجود دارد دست دارند. پس با همین مصاحبه کننده ها می توانید دستاوردهای من را زیر پرسش قرار دهید؟

شما زیر نام حقوق بشر به بشریت و حقوق شهروندان ظالمانه یورش برده و اهانت کرده اید. اگر واقعاً به حقوق بشر باور و وجدان بیدار دارید بروید به داد مردم مظلوم عراق، غزه، سوریه، لبنان، بنگلادیش و بسا کشورهای دیگر که در آنها نقض حقوق بشر بیداد می کند، برسید. این تبعیض شما چه معنی می دهد؟

ادعای شما مبنی بر کنترول و نفوذ گزاری من در زندگی تجاری، سیاسی، مطبوعات و سیستم قضایی نوع اهانت صریح به این سکتور هاست. من به استقلال عمل هر یک از این بخش ها باور و احترام کامل دارم و از آن حمایت کرده ام. نمونه های بارز آن در بلخ به وضوح قابل دید است. منابع شما به حدی ضعیف است که نتوانسته است نام ها را به درستی در اختیار تان بگذارند. صلاح الدین سلطان، میر سیدشاه سادات و جنرال عزیزالله قانت سه مسوول امنیتی در این ولایت است که نه تنها گروه های مسلح ندارند که مسوولیت بخش های امنیتی را عهده دار اند و از خدمت گزارانی است که موفق شده اند در صدها مورد یا باندهای جنایتکار دست و پنجه نرم کنند. در بلخ هر که از اینها شناخت دارد، می دانند که اینها خدمت گزاران شان اند.

در باب اینکه گروگان گیری ها را در بلخ به من ربط داده اید شبیه آن است که در خانوادهٔ شما کسی بر یک عضو خانوادهٔ تان تجاوز کند، آیا چنین چیزی ممکن است؟

من مسئول این ولایت هستم و وظیفهٔ من نیز پاسداری از حقوق مردم این ولایت و در کنار آن توجه به رشد و توسعه و تامین امنیت مردم می باشد. چه گونه می شود باور کرد که در ساحهٔ مسئولیت خودم من اقدام به بدنام سازی شهر خود کنم؟ بلخ ولایتی است که کمترین رویدادهای گروگان گیری در آن وجود داشته و اکثرا عاملین آن دستگیر و گروگان گرفته شدگان آزاد شده و مجرمین آن به پنجه قانون سپرده شده اند. تنها یک مورد گروگان گیری در این ولایت آنهم کودکی به نام اجود فرزند احمد عبدالله و نوادهٔ مولوی تبرشاه از شخصیت های معزز این ولایت شهید که حبیب الرحمن به جرم سوء ظن آن در این قضیه توسط خودم دستور بازداشت اش صادر و بر بنیاد حکم محکمه به ۱۷ سال زندان محکوم شد. برایتان پیشنهاد می کنم که از خانوادهٔ قربانی این گروگان گیری جویای معلومات موثق شوید.

در باب سایر گروگان گیری ها در بلخ باید متذکر شوم که به اساس احصائیهٔ ارگان های کشفی و امنیتی، از سال ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۳ در مجموع ۱۷ مورد گروگان گیری صورت گرفته که تمامی مجرمین آن دستگیر و به پنجهٔ قانون تسلیم داده شده و گروگان گرفته شده ها نیز آزاد شده اند. حالا داوری در دست مردم است و نهادهای بی طرف ملی و بین المللی که من به عنوان فرزند این سرزمین بخشی اعظم زندگی خود را در آزادی و آبادی این کشور صرف کردم بر حق هستم و یا دیدبان حقوق بشرکه به شایعه پراگنی، غرض آلودی و بی دقتی شهرت دارد؟

داوری سالم و درست همان است که وجدان قاضی آن باشد و خرد نیز شاهد مدعا. اما هرگز دسیسه ها و بهتان ها مانع پیشرفت من و مردمم نمی شود و چون کوه استوارم و متین به پیش خواهم رفت. من داعیه دار حق و عدالت هستم و در این راه با تمام توان می ایستم. بدون شک یکی از دلایل دست یازیدن شما به این کار در کنار عوامل بیرونی و برخی عوامل داخلی ضربه زدن به پایگاه اجتماعی من است که در هر دو انتخابات (۲۰۰۹/۲۰۱۴) جایگاه مردمی و نفوذ من در میان مردم افغانستان ثابت و هویدا گردید. ترس شما و همدستان تان از این موضوع می تواند عامل بزرگ در پس این توطئه باشد.

من خطاب به جان استیفن یکی از نویسندگان این گزارش که در مصاحبه با بی بی سی گفته است: (من نه ساده هستم و نه احمق)، اما من باور دارم که شما از هردو مورد مبرا نخواهید بود، با وجدان خوابیده و دیدهٔ کور انتظار بیشتر از چنین رویکرد بعید است. وقتی وجدان آنهم وجدان بیدار در تن کسی باشد، هرگز حق را باطل نمی شمارد و باطل را حق.

خانم فلیم کاین، معاون آسیایی دیدبان حقوق بشر و از تهیه کننده گان این گزارش گفته است که این هشت نفر شامل این گزارش نمونه های زهرآگین ظلم است. این کدام منطق است بپذیرد که من با وجود فراهم آوری زمینهٔ تجارت سالم برای سرمایه گزاران در بلخ، زمینه ساز حضور بیش از ۶۵۰ هزار دانش آموز دختر و پسر با ۱۴ هزار آموزگار، فعالیت نزدیک به ده دانشگاه دولتی و خصوصی با حضور نزدیک به سی هزار دانشجوی پسر و دختر در فضای امن و آرام و به علاوهٔ آن تامین حقوق بشر، رعایت حقوق زنان ایجاد فضای فعالیت برای نهادهای مدنی و حمایت از آنها، حمایت از فعالیت آزادی بیان و رسانه های آزاد، تامین فضای خوب برای حضور نیروهای همکار بین المللی، تامین مشارکت مردم و بهبود حکومتداری در کنار ده ها مورد دیگر، قاچاقبر مواد مخدر و گروگان گیر خوانده شوم؟

می خواهم در پایان این دو نکته را با صراحت ابراز بدارم که هرگز اجازه نخواهم داد، داعش و گروه های هراس افگن از بلخ و شمال به عنوان پایگاه تهدید در برابر کشورهای همسایه و منطقه به ویژه آسیای میانه و ایالت سنک یانک چین استفاده کنند. همانطوریکه به تامین امنیت و رفاه مردم متعهد هستم، در مبارزه با داعش، هراس افگنی و سایر گروه های تروریستی نیز با تمام توان ایستاده و استوارم. و در کنار آن من برای پیگیری محتوای بی اساس این گزارش و اتهام های وارده بر من به صورت رسمی اقامهٔ دعوی می کنم و صورت دعوای خود را از طریق وکیل مدافع خویش به سازمان ملل متحد و نهادهای معتبر بین المللی پیشکش خواهم کرد.

با توجه به آنچه تذکر رفت، به این نتیجه می رسیم که داوری ها نه تنها در مورد من بی بنیاد است که در مورد سایر اسامی نامبرده در این گزارش فاقد اعتبار خواهد بود و در این هجوم مظلوم واقع شده اند. لازم به ذکر است که یک نسخه این اعتراضیه با اسناد و مدارک رسمی به وکیل مدافع من فرستاده شده است و در روزهای آینده دعوی رسمی من با دیدبان حقوق بشر، آغاز می گردد و این مثل معروف محقق خواهد شد: چون سیه روی شود هر که در او غش باشد!

و من الله توفیق
ستر جنرال عطا محمد نور والی بلخ
و رییس شورای اجرائیهٔ جمعیت اسلامی

مزارشریف – ولایت بلخ
۱۴ حوت ۱۳۹۳

حوادث طبیعی تعدادی هموطنان را...

از آسیب دیده گان برف کوچ های اخیر در ولایت پنجشیر دیدن کرد. آقای ربانی ضمن عرض تسلیت و غم شریکی به قربانیان حوادث پنجشیر، یک مقدار کمک مالی نیز نمود. وزیر امور خارجه در دیدار با مردم و مسؤولان آن ولایت وعده نمود که با سفرا و مراجع کمک کننده، منحیث وزیر امور خارجه تماس هایی گرفته است و توجهٔ آنان را در امر کمک رسانی به آسیب دیده گان جلب نموده است. از سوی هم عبدالرحمن کبیری سرپرست ولایت پنجشیر از غم شریکی وزیر امور خارجهٔ کشور ابراز قدردانی نموده و گفته است که مردم پنجشیر از دلجویی فرزند برومند رهبر جهاد و مقاومت سپاس گزار است. دیدار وزیر امور خارجه، در حالی صورت گرفت که یک روز قبل هیئتی به نمایندگی از جمعیت اسلامی افغانستان به ولایت پنجشیر سفر کردند و مقدار مواد کمکی را که یک موسسهٔ ترکی به نام جان سو به قربانیان حوادث نموده بودند، به مسؤولان ولایت پنجشیر تسلیم نمودند.

بنیاد خیریهٔ شهید احمد شاه مسعود نیز توانسته است تا یک مقدار کمک های قابل ملاحظه را جلب و به آسیب دیدگان پنجشیر برساند. حکومت افغانستان کمیتهٔ را تحت سرپرستی داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه موظف نمود، تا در امر کمک رسانی به تمام آسیب دیدگان در سراسر افغانستان تلاش های مستمر نمایند. آنگونه که مقامات حکومتی می گویند پروسهٔ کمک رسانی به تمام آسیب دیدگان کشور، به ویژه ولایت پنجشیر تسریع یافته است. اما خیلی ها به این باور هستند که در برخی از مناطق تا هنوز هیچ مرجعی جهت کمک رسانی حضور نیافته اند.

برخی از باشندگان ولایت های بدخشان، غور، بادغیس، بامیان و فراه در تماس با مجاهد گفته اند که برای آنان، تا هنوز کسی غم شریکی نکرده است و طی روزهای اخیر بدون مواد خوراکی، البسه و سرپناه به زندگی قلاکت بار دست و پنجه نرم می کنند. شکایت آسیب دیدگان در حالی بلند شده است که گفته شده، افزون بر نهادهای حکومت وحدت ملی، مانند ادارهٔ مبارزه برضد حوادث و جمعیت هلال احمر، شماری از نهاد های داخلی، اتحادیه های صنفی، نمایندگی های کشورهای همسایه، نیز به آسیب دیدگان ریزش بهمن کمک کرده اند. در پهلوی کمک رسانی آنچه برای مردم آسیب پذیر، باید انجام شود، اطلاع رسانی دقیق جهت اعمار منازل رهایشی در جاهای است که از خطر حوادث طبیعی باید در امن باشند. این امر سبب می شود، تا از وقوع چنین حوادثی در آینده جلوگیری صورت گیرد.

طی سفری که به پنجشیر داشتم از نزدیک دیدم، مردم در جاهایی خانه ساختند که در معرض خطرات جدی حوادث طبیعی قرار دارند. باشنده گان محل در صحبت با من می گفتند، غیر از این مکان، دیگر جایی برای زندگی و زیست نداشتیم و سالیان زیادی را در همین جا زندگی کردیم. حالا که اوضاع به این گونه است، باید حکومت طی برنامهٔ دراز مدت و استراتیژیک اماکن امن را برای آسیب دیدگان در نظر گیرد. اماکنی که عاری از هر نوع خطر احتمالی باشد. این جابه جایی ها باید در ولایات مربوطه صورت گیرد، تا از نزاع و کشمکش هایی قومی و اتنیکی جلوگیری شود.

طی سال های اخیر در اثر حوادث طبیعی، مانند سیلاب ها، برفکوچ ها، رانش زمین و زمین لرزه تعداد زیادی از هموطنان ما دچار سانحه می شوند. با این وضع حکومت افغانستان نتوانسته است، تا یک راه‌کار منظم و برنامه ریزی شده را برای جلوگیری از حوادث طبیعی داشته باشد. از سوی هم رسانه های کشور برای اطلاع رسانی و آموزش مردم که چگونه بتوانند از خطرات احتمالی طبیعی و مرگ و میر جلوگیری کنند، برنامهٔ منظم نداشته اند. نهادهای تعلیمی و تحصیلی و منابر، نیز به موضوع برخورد سرسری نموده و همه چیز را به قضا و قدر الهی موکول کرده اند. این در حالیست که در تمام دنیا به موضوع حوادث طبیعی برخورد کارشناسانه صورت می گیرد و از طریق پخش آگهی ها با استفاده از جنبه های میتودیک و روشمند برخورد اصولی می نمایند.

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه هـای مقـالات غـیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضـع جمعیـت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ ۴۵ ۱۹حوت ۱۳۹۳ ۱۹ جمادی الاول ۱۴۳۶ 10 March 2015

بازهم شایعهٔ مذاکرات صلح

□ وحید مژده

در آخرین سفر راحیل شریف لوی درستیز نیروهای نظامی پاکستان و رضوان اختر رئیس آی اس آی به کابل، موضوع مذاکرات صلح با طالبان در آیندهٔ نزدیک در صدر اخبار رسانه ها قرار گرفت. گفته شد که پاکستان به دولت افغانستان اطمینان داده که طالبان را برای مذاکره با دولت افغانستان وادار ساخته است.

قبل از آن، سفر اشرف غنی به چین و پاکستان و افشای این راز از جانب پاکستان که نمایندگان طالبان نیز سفری به چین داشته اند، امیدواری هایی را در مورد نقش چین در این جریان بیشتر ساخت بخصوص اینکه طالبان نیز از نقش احتمالی چین در این جریان استقبال کردند.

شرط طالبان برای مذاکرات بین الافغانی در قدم اول مذاکره با امریکا بود تا نخست از همه امریکا باید به آنها در مورد خروج کامل نیروهایش از افغانستان اطمینان بدهد. امریکا قبلاً در مذاکرات غیرمستقیم، این وعده را به طالبان داده بود و طالبان به منظور بدست آوردن اطمینان در سطح بین المللی، نقش چین را بعنوان یکی از اعضای دایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد مهم تلقی کردند.

قبلاً گفته شده بود که این مذاکرات در ماه مارچ آغاز خواهد شد و اکنون نیز شایعهٔ مذاکرات در دُبی میان نمایندگان طالبان و دولت افغانستان بگوش می رسد. گفته شده که نمایندگانی از شورای کویته در این مذاکرات شرکت دارند و در این رابطه از ملاجلیل آخند و ملاعباس آخند نام برده شده است.

سوال اینست که آیا نمایندگان شورای کویته صلاحیت مذاکره در مورد صلح را دارند؟ برای درک درست این مسئله باید به این حقیقت توجه کنیم که ملامحمد عمر دفتر سیاسی طالبان در قطر را بعنوان یگانه محل مذاکرات صلح، صلاحیت داده است. در صورت آغاز مذاکرات، شورای مرکزی باید در جریان مذاکرات قرار گیرد و در مورد مسایل مهم بعد از مشورت با شورای علما، به دفتر سیاسی مشورت بدهد.

قبل از بمیان آمدن دفتر قطر و رفتن اعضای کمیسیون سیاسی به آن کشور، طالبان هرگونه مذاکره با خارجی ها و دولت افغانستان را رد می کردند اما بعد از بمیان آمدن دفتر قطر، رهبری طالبان هرگونه مذاکره در مورد مسایل صلح را بصورت انحصاری در اختیار همین کمیسیونی نهاد و دستور داد جز کمیسیون های امور صحی، زندانیان و موسسات خارجی، هیچ کمیسیون دیگری حق تماس مستقیم با خارجی ها را ندارد.

ایجاد دفتر قطر موجب شد تا از سود جوئی های پشت پرده بنام پروسهٔ صلح توسط پاکستان و یا سود جوئی بعضی از افراد بنام نمایندهٔ شورای کویته جلوگیری گردد. قبلاً پاکستان هر زمانی که تحت فشار قرار می گرفت و یا ضرورت احساس می کرد، می توانست کسانی را بعنوان شخصیت های مهم و تاثیر گذار بر تحریک طالبان، با خارجی ها مقابل سازد و چنین وانمود سازد که طالبان افغان را تحت کنترول خود دارد. مثلاً در سال ۲۰۱۱ وقتی طالبان پذیرفتند تا دفتری در قطر داشته باشند، پاکستان به امریکا گفت که طالبان یک گروه واحد نیستند و این دفتر نمی تواند از همهٔ آنان نمایندگی نماید. آنها حاجی ابراهیم برادر مولوی جلال الدین حقانی را بعنوان نمایندهٔ شبکهٔ حقانی به دُبی بردند و با امریکائی ها پشت میز مذاکراه نشاندند اما در همان لحظات نخست امریکائی ها متوجه شدند که این شخص چنین ظرفیتی را ندارد.

این برنامهٔ پاکستان زمانی کاملاً نقش بر آب شد که سراج الدین حقانی از طریق رسانه ها رسماً اعلام نمود که وی از فرماندهان طالبان تحت رهبری ملا محمد عمر بوده و رهبر گروه مستقلی نیست.

منظور از یادآوری این حقایق اینست که بدانیم هرگونه مذاکرات صلح که در آن دفتر قطر سهم نداشته باشد، نتیجه ای نخواهد داشت و فقط بازی پاکستان به منظور فریب اذهان در افغانستان خواهد بود.

شایعات مذاکرات در دُبی را که بعضی از رسانه ها گزارش داده اند، فقط می توان در همین راستا ارزیابی کرد. تجربه نشان داده که پاکستان این توان را دارد تا کسانی چون ملا جلیل یا تعدادی دیگر را بعنوان نمایندگان طالبان و یا حاجی ابراهیم را بعنوان نمایندهٔ شبکهٔ حقانی به پشت میز مذاکره حاضر سازد و نام این کار را پروسهٔ صلح بگذارد اما دولت جدید افغانستان باید متوجه باشد که چنین تلاش های بی ثمر را قبلاً حامدکرزی نیز تجربه کرده بود.

دولت افغانستان باید از پاکستان بخواهد که اگر واقعاً از نفوذ بر طالبان برخوردار است، باید دفتر قطر را برای مذاکره با دولت افغانستان وادار سازد. مذاکرات صلح با افرادی که از جانب طالبان صلاحیت مذاکره را ندارند، بی نتیجه خواهد بود.

حوادث طبیعی تعدادی هموطنان را زخمی کرده، اما زخم پنجشیر کلانتر است

□ عنایت



ریزش بهن طی روزهای اخیر در اکثریت ولایات مردم را در سوگ نشاند و مردم افغانستان شاهد یک ماتم ملی بودند. میزان تلفات در برخی ولایات از جمله پنجشیر، بدخشان، غور، دایکندی و بامیان نسبت به سایر ولایات بیشتر بود. حوادث طبیعی در پنجشیر به دلیل گسترده گی آن، توجهٔ افراد، مؤسسات خیریه و نهاد های حکومتی و حتی مراجع بین المللی را جلب نمود. خسارات واردهٔ جانی، تخریب منازل، قطع أشجار، از دست دادن صدها رأس مواشی از مواردی اند که به مردم ولایت پنجشیر آسیب جدی رسانده است.

با درک این موضوع صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و وزیر امور خارجهٔ کشور، طی یک سفر ص۷

عزل و نصب کارمندان دولت!

□ تکساری

وقتی شاه امان الله بعد از استقلال کشور، به یک سلسله شتاب های در کار بازسازی، اصلاحات و رفورم به صورت سرسام آور آغاز نمود و تمام برنامه های آن بدون تفکر و اندیشه و با شتاب پیش برده می شد، از جمله در آموزش و پرورش پسران و دختران، رفع حجاب و غیره اقدام نمود که این شتاب زده گی تاوان سنگین به همراه داشت و در اثر این عجله کاری ها، افغانستان بیش از نیمی از قرن، از کاروان پیشرفت و ترقی باز ماند.

در شعار های حکومت وحدت ملی نیز یک چنین شتاب زده گی وجود دارد. آغای غنی در آغاز کمپاین های انتخاباتی خویش می گفت، که وی دارای برنامه است و طرف مقابلش دارای شبنامه می باشد و وی تلاش دارد تا برای دو میلیون انسان کار و اشتغال تدارک ببیند. پس از به وجود آمدن حکومت وحدت ملی، دیده شد که کار ها بدون عزم و دور اندیشی به پیش برده می شود. به همین مناسبت حذف دسته جمعی کارمندان ادارهٔ امور ریاست جمهوری و کارمندان ارشد ولایت هرات و در این تازه گی ها حذف دسته جمعی آمران حوزه های امنیتی شهر کابل از یکنوع شتاب زده گی در حکومت داری حکایه می نماید.

عبدالرحمان رحیمی فرماندهٔ پولیس کابل به تاریخ ۱۱ حوت در یک نشست خبری اعلام نمود، که عوض آمران حوزه ها و قوماندانان کندک ها اشخاص جدید به کار گماشته شدند و فرماندهٔ پولیس کابل از مسوولین جدید خواست که همواره با مردم مشوره داشته و از احوال آنها بررسی نمایند. وزارت داخله قبلاً گفته بود که در رهبری این وزارت نقش زنان برجسته خواهد بود و در این تغییرات چنین نقشی به زنان در نظر گرفته نشده است. در این تغییرات از شایسته سالاری و توانمندی این اشخاص سخن گفته است.

امر تغییر و جابجایی از جمله وظایف هر حکومت و اداره است، که به صورت طبیعی جریان پیدا می نماید، و مطابق قانون کارکنان دولت از خود مراحلی دارد. اما تبدیل و حذف دسته جمعی افراد از یک ارگان دولتی، بدون شک پرسش بر انگیز می باشد. به قول نویسنده گان بزرگ؛ در صورتیکه اکثریت جامعهٔ انسانی آلوده به فساد و ناباور به ارزش های انسانی بوده باشد، آن جامعه دیگر از زنده گی آبرومندانه تهی می گردد و به طور طبیعی افراد وفادار به امر عدالت و ارزش های انسانی بیشتر از انسان های فریب کار در هر جامعه می باشد. به همین مناسبت حذف تعدادی از سفرای افغانستان در خارج از کشور پرسش های را نیز به وجود آورده است، که حکومت گذشته چگونه افراد نزدیک به خویش را سال ها در سفارت ها حفظ نموده اند. جای دارد که از این سفرا پرسش به عمل آید و از کار های آنها بررسی صورت گیرد. این تقرری ها بدون شک خشم رهبری دولت را نشان می دهد، که بدون حذف نمی توان ادارهٔ سالم را به وجود آورد.

فهمیده می شود که دیگر زمان جابجایی تدریجی و دور اندیشی از میان رفته است. در صورتیکه این افراد آلوده به فساد و بیکاره گی بوده باشند از آن ها پرسش جدی به عمل آید. اما امید می رود که این جابجایی ها سیاسی نبوده و حقوق همه اقوام در این جابجایی ها در نظر گرفته شده باشد. ما هنوز در افغانستان با نفرت و تردید می نگریم، بدون آنکه به توفان بیندیشیم و به امواج سرکش و تباه کن تدبیر بسنجیم، کشتی را به پیش می رانیم. سه دهه خون و آتش، انفجار و بی باوری، سه دهه بحران اعتماد، سه دهه هیاهوی سیاسی؛ اما تازه رسیده ایم به همان جایی که بودیم.

وقتی در دهۀ ۶۰ ، دانشجوی دانشگاه بودم با خود می گفتم، که تکرار تاریخ سخن یاوه است، اما حالا می اندیشم که تکرار تاریخ همان برف کوچ های همیشه گی سرزمین ما است، که هر سال برای ما در بدخشان، سالنگ و ... تکرار می شود. در این تکرار تاریخ هر سال مصیبت دو چندان می گردد. همان گونه که در برف کوچ های همه ساله این مصیبت ها دو برابر می گردد.

به امید روزی نشسته ایم که این تکرار های تاریخی جایش را به منطق و استدلال خالی کند.